

# کوثر حفظ قرآن

قسمت اول

## آشنایی با موسسه

● مجموعه هاشمی اصل

در این دوره، آزمون‌های لازم را انجام می‌دهیم و افراد مستعد را انتخاب می‌کنیم. سپس بچه‌ها آیات منتخب را به شکلی موضوعی حفظ می‌کنند و مفاهیم آن‌ها را با استفاده از روش اشاره، یاد می‌گیرند. به طوری که سه سال اول آموزش، یعنی دو سال قبل از دبستان و سال اول ابتدایی، آن‌ها قادرند، ۴ جزء از قرآن را به همراه مفاهیم عمومی از قرآن که برایشان قابل فهم و درک است، حفظ کنند. البته برای این کار باید آیاتی انتخاب شوند که با توجه به سن کودکان قابل فهم و درک باشند و همین امر باعث جذابیت و شیرینی این کار می‌شود.

ما با ادامه‌ی این دوره‌ها نتیجه گرفتیم که برای جلوگیری از هدر رفتن زحماتمان طی این آموزش‌ها، نباید بچه‌ها را بعد از این هم رها کنیم و با تأسیس دو مدرسه‌ی ابتدایی دخترانه و پسرانه، دانش‌آموزان را تحت پوشش مؤسسه و هدف‌های آن قرار دادیم. این کار از سال چهارم تأسیس مؤسسه آغاز شد. در حال حاضر، دانش‌آموزان این دو مدرسه، یا حافظ قرآن بوده‌اند و یا تحت پوشش برنامه‌های آموزشی مؤسسه هستند. یعنی افراد عادی داخل مجموعه نیستند و کسانی که در این مجموعه ثبت نام می‌کنند،

● جناب آقای حبیبی، لطفاً در آغاز گفت‌وگو، برای ما از چگونگی تأسیس «مؤسسه‌ی حفظ قرآن کوثر» و عملکرد آن تا کنون، بگویید.

○ در سال ۱۳۷۴، مؤسسه‌ای با نام «مؤسسه حفظ قرآن کوثر» در تهران تأسیس شد که هدفش تربیت نونهالان حافظ قرآن بود. البته حفظ قرآن ظاهر آن، و در حقیقت هدف اصلی آن تربیت قرآنی بود. چون فضای کشور و جامعه آماده بود، در راستای بهره‌برداری مطلوب از این فضا، مؤسسه با انتخاب ۱۸ دانش‌آموز پیش دبستانی کار خود را آغاز کرد. برنامه این بود که ظرف چهار سال، این دانش‌آموزان حافظ قرآن شوند.

پس از دو دوره‌ی گزینش دانش‌آموز به این شکل، احساس کردیم که باید در عمل به کار سرعت دهیم و برنامه‌ها را به طرف آشناسازی بچه‌ها با مفاهیم و هدف‌های تربیتی سوق دهیم که همان هدف اولیه‌ی ما بود.

علاوه بر فعالیت حفظ قرآن، سایر فعالیت‌های ما کاملاً در چارچوب موضوعات و مفاهیم قرآنی هستند. به این ترتیب که بچه‌ها را دو سال قبل از دبستان برمی‌گزینیم و یک دوره‌ی مقدماتی آزمایشی برای آن‌ها برگزار می‌کنیم.

همهانگ با مجموعه ی قرآنی و برنامه های آن هستند.  
در این مجموعه، علاوه بر این که آموزش های قرآنی و برنامه ی آن اجرا می شود، آموزش و درس های ابتدایی آموزش و پرورش و برنامه های آموزشی آن ها هم، به طور کامل اجرا می شود؛ به طوری که در هفته، بین ۱۵ تا ۱۸ ساعت برنامه های قرآنی را با برنامه های آموزشی درس های ابتدایی به طور تلفیقی اجرا می کنیم. برای مثال، یک ساعت ریاضی، یک ساعت قرآن، یک ساعت علوم، یک ساعت مفاهیم، یک ساعت فارسی و... حتی معلمانمان را طوری آموزش داده ایم که هر دو کار را با هم انجام می دهند؛ یعنی هم درس های ابتدایی و هم آموزش های قرآنی را تدریس می کنند.

در این برنامه ها، بچه ها از صبح تا ۳/۵ بعد از ظهر تحت پوشش کامل مؤسسه هستند و به خواست خدا در این فکر هستیم که دوره ی راهنمایی را هم ایجاد کنیم.

در همه ی این برنامه ها، هدف نهایی رسیدن به هدف های تربیتی قرآن است و حفظ قرآن، امر ظاهری و بهانه است. ما برای رسیدن به این هدف ها کارهای سنگینی را انجام می دهیم و از همان ابتدای کودکی، مفاهیم قرآنی را برای بچه ها شیرین، جذاب و قابل درک می کنیم. به عبارت دیگر، مجموعه کارهای قرآنی را در قالب بازی های متناسب با سن بچه ها درمی آوریم. در کنار هر واحد درسی ما یک واحد کار داریم که شامل بازی، سرگرمی، کاردستی، نقاشی، شعر و قصه است. مفهوم قرآنی را در قالب این فعالیت ها به بچه ها القا می کنیم تا برایشان شیرین و جذاب شود.

در این جا اهمیت نقش مربی مشخص می شود. اگر مربی توانمند نباشد و نتواند این مجموعه فعالیت ها را در کنار آموزش قرار دهد، به نتیجه ی مطلوب نخواهد رسید. پس یکی از کارهای سخت و بسیار دشوار ما تربیت مربی است. گرچه مربیان یا لیسانس دارند و یا دارای تحصیلات حوزوی هستند، اما در عین حال برای آن ها دوره های کارآموزی و آموزش هایی را در نظر می گیریم تا بعد از یک دوره ی یک ساله ی کارآموزی و نظارت های مستمر، بتوانند مجموعه فعالیت ها را به شکل همهانگ اجرا کنند و با تعداد کم دانش آموز (۱۰ تا ۱۵ نفر) که در اختیار دارند، به هدف های مجموعه دست پیدا کنند.

ما از همان سال دوم یا سوم تأسیس مؤسسه، یعنی سال ۷۶ یا ۷۷، احساس کردیم که بچه ها در این سن و سال،

برای حفظ به یک سلسله از علائم بصوری خیلی بهتر پاسخ می دهند تا علائم سمعی یا شنیداری. به همین دلیل آموزش های اولیه را به مربیان دادیم تا برای بعضی کلمات، اشارات ابتدایی رسم کنند. این روش را آزمایش کردیم و جواب بسیار خوبی گرفتیم و با برنامه ریزی سه چهار ساله آن را برای حفظ قرآن آماده کردیم.

در این روش، با توجه به این که ۶۰۰ کلمه در قرآن داریم که کلمات مادر هستند، یعنی بالای ۹۰ درصد کلمات قرآن از این ۶۰۰ کلمه تشکیل شده اند، ما برای این ۶۰۰ کلمه، ۶۰۰ علامت قراردادی با توجه به مفاهیم آن ها وضع و طراحی کردیم. پس از آزمایش آن ها با بچه ها دریافتیم که به کمک این علامت ها، با سرعت بیش تری معانی و مفاهیم در ذهنشان جا می گیرد و به سرعت هم آن ها را به خاطر می آورند. یعنی دو کار انجام می گیرد: یکی تسهیل و تسریع در حفظ آیات، و دوم تداعی مفاهیم آیات، ذوق آن ها، و یادآوری سریع آن ها.

ما پس از طراحی این ۶۰۰ علامت، سرکلاس ها نقاط ضعف آن ها را شناسایی و رفع کردیم و بعد به نام روش حفظ قرآن، به چاپ رساندیم که در حوزه به عنوان کتاب سال انتخاب شد. برنامه های نرم افزاری و تلویزیونی آن ها نیز تهیه و پخش شد. به ادعان مسروران، این روش بر سرعت انتقال و حفظ آیات می افزاید و مورد استقبال قرار گرفت. ● نحوه ی ارتباط شما یا شباهت کار شما با «جامعه القرآن کریم» به چه صورت است؟

○ اطلاعات دقیقی ندارم که جامعه القرآن در این رابطه چه کار کرده است، موفق بوده، کارش بهتر از ماست یا نه، و چه ضعف و قوت هایی دارد. شنیده ام جاهای دیگر هم، کارهایی در ارتباط با روش اشاره انجام داده اند. متأسفانه مرکزی نیست که تجربه ها را جمع آوری کند و امکان تبادل آن ها را فراهم آورد. این یک ضعف عمومی در کشور است که مراکز قرآنی با هم ارتباط ارگانیک ندارند. به این ترتیب، چه بسا خیلی از تجربه ها تکرار بشوند و یا هدر بروند.

● قبل از اینکه خدمت شما برسیم، تصور می کردیم، ارتباطی با مؤسسه ی جامعه القرآن دارید یا از آن ها ایده گرفته اید. ظاهراً این طور که فرمودید، هیچ کدام از این حالات نیست و کار مستقلی دارید.

○ بله، حالا شاید کار ما قبلاً در آن جا تا حدی شکل گرفته باشد که در حقیقت هم این طور بوده است، اما ارتباط

ارگانیک‌ای اصلاً با هم نداریم. ارتباط اطلاعاتی هم نداشته ایم. البته پیشنهاداتی داشتیم. کتابمان که چاپ شد، نسخه ای از آن را خدمت جناب آقای طباطبائی فرستادم و درخواست کردم، اگر نقطه نظراتی دارند، مکتوب کنند و به ما بگویند که تا به حال جوابی نیامده است.

● شما فرمودید، روی مسائل آموزشی دانش آموزان سرمایه گذاری می کنید. لطفاً درباره ی موفقیت هایتان در زمینه ی کارهای آموزشی، ورزشی یا هنری بفرمایید.

○ بله، ما در این جا از همکاری یکی از روانشناسان با سابقه ی آموزش و پرورش برخورداریم که مسئولیت ایشان، طراحی چارچوب های اصلی آموزش و پرورش در مؤسسه، هماهنگ با فعالیت های قرآنی ماست. ایشان به کمک گروهی هفت-هشت نفره در خارج از مدرسه، و گروهی چند نفره از داخل مدرسه، برای دسترسی به هدف های تربیتی و آموزشی مؤسسه، برنامه ریزی جامع می کنند. یعنی از ورود کودکان که از ۴ سالگی است تا پایان کلاس پنجم ابتدایی مشخص می کنند که در پایان هر سال، از نظر آموزشی و تربیتی به کجا باید برسیم.

این ها طی جلسات هفتگی و مستمری که با تمام مربیان و معلمان مجموعه دارند، دائم ارزیابی، کنترل و نظارت می کنند. بازخوردهایش را می گیرند و مرتب برنامه را تکمیل می کنند. مدرسه های پسرانه، دخترانه و آمادگی ها، هر کدام یک معاون قرآنی دارند و یک معاون اجرایی دارند که دائم برنامه ها را تحت نظارت و کنترل مستمر قرار می دهند. در ارتباط با آموزش که مورد سؤال شماست. ما با مدرسه های خوب و ممتاز مذهبی، در منطقه ی خودمان ارتباط و جلسات مشترک داریم. از تجربه هایشان بهره می گیریم و با آن ها سؤال رد و بدل می کنیم.

● برای پذیرش نونهالان چه معیارها یا ملاک هایی دارید؟  
○ حقیقتش را بخواهید، یکی از مشکلاتی که خیلی از مدرسه های خوب تهران دارند، در گزینش است که درصد مشکلات آن ها را ما نداریم. آن ها گاهی مجبورند، از بین ۵۰۰-۴۰۰ دانش آموز، به سختی ۴۰ تا ۵۰ تا دانش آموز را بعد از مصاحبه و تحقیق زیاد گزینش کنند و سرانجام هم خودشان مدعی هستند، صد درصد موفق نیستند. خیلی ها که با مجموعه ناهماهنگ هستند، به خاطر وجود بعضی از امتیازات وارد مجموعه می شوند. این یکی از مشکلات آن ها است. ما خودمان فکر می کنیم، این هم از برکات قرآن است؛ چون اسم دبستان ما، دبستان حافظان وحی است و

اسم مؤسسه، حفظ قرآن.

تصور می کنم که به طور اتوماتیک، خود خانواده ها گزینش می کنند. یعنی خانواده هایی ما را انتخاب می کنند که آماده اند تا بچه هایشان حافظ قرآن بشوند.

البته ما موقع ثبت نام در را به روی هیچ کس نمی بندیم. هر کس با هر ایده و انگیزه ای می تواند وارد مجموعه ی ما بشود. ثبت نام کند. هر کسی هم که وارد می شود، یک دوره ی مقدماتی دو سه ماهه را این جا می گذراند. در این دوره ی کوتاه، ما بیشتر تست هوش و حافظه و رفتار از بچه ها می گیریم و به شناسایی توانایی فیزیکی دانش آموزان می پردازیم. اما در عین حال، اگر دیدیم خانواده هایی اشتباه آمده اند، در جلسات توجیهی نقاط قوت و ضعف برنامه های مدرسه را، یک به یک برایشان تشریح می کنیم تا اگر خانواده ای اشتباهی آمده باشند، برگردند. راه را هم از اول به آنان می گوئیم. معمولاً خیلی کم پیش می آیند خانواده هایی راه را اشتباه آمده باشند که ما در گزینش بخواهیم حذفشان کنیم؛ در حدود دو تا سه درصد. آن ها هم غالباً با یک توضیح و جلسه ی مشاوره ای و صحبت، مسائلشان حل می شود. در مورد گزینش، ما مشکل چندانی نداریم.

● این که می فرمایید علی بعضی دانش آموزان را می خواهید، آن هم دانش آموزانی که به این گروه مدرسه ها می آیند، باعث تجربه ی شکست خوردگی توسط آن ها می شود. آیا تأثیرات منفی نمی گذارد، هم روی پدر و مادر و هم روی کودک؟ مخصوصاً که مدرسه، مدرسه ی حفظ قرآن است، فکر نمی کنید این اثر منفی تا آخر عمر با کودک بماند که من به یک مدرسه ی حفظ قرآن رفتم، اما مرا اخراج کردند؟ و یا من خودم ناتوان بودم؟ این به هر حال مشکل نگرشی برای او بوجود می آورد.

○ حجب این ها بر می گردند به مسائل تربیتی که از ظرافت خاصی برخوردارند. البته اگر قرار باشد دانش آموزی از این مجموعه برود، این کار همراه با تمهیدات، مقدمات، ظرایف و لطایفی انجام می گیرد تا از این جا خاطره ی خوش داشته باشند. حتی وقتی هم که می روند، ارتباطشان را با ما حفظ می کنند. تابستان ها دوباره به بهانه های برنامه های ورزشی و سایر برنامه های ما، به این جا بر می گردند. چون مجموعه ی زیبایی هایی که این جا در ذهنشان می ماند برای قرآن است و ما می خواهیم این نقش مثبت در ذهن و روح بچه ها باقی بماند. به هر صورت، هر کودکی که بخواهد

می گویند حتی یک درصد افراد هم نباید نگرش منفی پیدا کنند. این از طرف خیلی مؤسسات قرآنی رعایت نمی شود. بچه ها به عنوان مدرسه ی قرآنی، می آیند و ثبت نام می کنند، اما متأسفانه در پایان آن ها را اخراج می کنند. این بچه ها از نظر روحی خیلی صدمه می خورند.

می گویند، بچه هایی که در سن پیش دبستانی حفظ قرآن را یاد می گیرند و با علائم آن آشنا می شوند، ممکن است در سال اول ابتدایی، وقتی می خواهند به روش آموزش و پرورش صامت ها و مصوت ها را کار کنند، دچار مشکل شوند. یعنی ممکن است، آنچه که قبلاً یاد گرفته اند، با روش های جدیدی که می خواهند در فارسی یاد بگیرند، آیا تداخل ایجاد کند. این در مدرسه ی شما نمود داشته است؟

○ این مشکل که می فرمایید، ممکن است در مراکز پیش بیاید که دو مجموعه ی پیش دبستانی و دبستانی آن ها منفک از هم عمل کنند. و یا قبلاً کسی که در مجموعه ی ما این آموزش ها را ببیند و بعد به یک مدرسه ی معمولی برود و معلم از آموخته های قبلی او اطلاع نداشته باشد، ممکن است دچار چنین مشکلی بشود. اما این جا چون همه با هم هماهنگ هستند و معلم اول ابتدایی می داند دانش آموزش با چه پیش زمینه ای وارد کلاس شده است. مشکلی پیش نمی آید.

مشکلی که می فرمایید، فقط به صامت هایی که شما اشاره کردید، محدود نیست. در خیلی از آموزش های دیگر هم مثل علوم یا ریاضی، ممکن است بچه ها مفاهیمی را در قالب های دیگری و در شکل آیات قرآن یا آموزش های پیش یاد گرفته باشند و در کلاس اول در سطح بالاتری قرار گیرند و وقتی معلم مطلبی را درس می دهد، بگویند ما این ها را بلدیم. دو تا هم اضافه بگویند که در این صورت، معلم در آموزش به مشکل برمی خورد. ما این جا چنین مشکلاتی نداریم. البته نه این که هیچ مشکلی نداشته باشیم.

● در جلسه ای، کارشناسان متخصص زبان فارسی اظهار نگرانی می کردند و می گفتند اگر بچه های پیش دبستانی قرآن یاد بگیرند، بعد که در مدرسه ها پخش می شوند، چیزهایی بلدند که دیگران بلد نیستند و ممکن است این آموزش های دو گانه مشکل و دردسر ایجاد کند.

○ در مکتب القرآن که هیچ مشکلی ایجاد نشده است. مثلاً ما کلاس های آقای محسنی را در مشهد برگزار کردیم.

از این جا برود، از چندماه قبل مقدماتش فراهم می شود و خانواده توجیه می شود، با چه انگیزه ای و به چه شکلی از این جا جدا بشود که برایش مشکل ساز نشود. معمولاً مشاوران مدرسه روی این موضوع کار می کنند.

● آیا می شود، کودکانی که توان ذهنی کافی ندارند یا در واقع مشکلات شخصیتی - رفتاری دارند، به گونه ای حمایت شوند که کارشان و حرکتشان کندتر باشد، ولی از مجموعه طرد نشوند؟

○ طرح هایی داریم برای این که بعضی از بچه ها را به سمت حفظ ببریم و بعضی را به سمت مفاهیم. اما اجرای این گونه طرح ها به امکانات بیشتری نیاز دارد. شاید هنوز زود باشد و در سال های آتی بشود چنین کاری کرد. البته بچه هایی که برای حفظ قرآن مشکل پیدا می کنند، در درس هایشان مشکل پیدا نمی کنند. به هر حال واقعیت این است که حفظ قرآن کار هر کسی نیست و با این که ما بچه ها را تنبیه می کنیم، ولی در عمل، گاهی خانواده ها هماهنگی لازم را پیدا نمی کنند، یا بچه ها به مشکلات خاصی برمی خورند. هم نمی توانند تا پایان راه بیایند.

● الان مؤسساتی که ایجاد کرده اند، شرط پذیرش این است که دانش آموز قبل از ثبت نام، یک جزء قرآن را حفظ باشد و بعد برای ثبت نام بیاید و ادامه بدهد. اگر هم ادامه ندهد، عذرش را می خواهند. حال آن که در روانشناسی تربیتی، به نگرش افراد خیلی توجه می شود و حتی نگرش یک درصد افراد نیز خیلی مهم است.



کنند. ما اگر  
این‌ها بدهیم  
و بتوانیم  
کشفشان کنیم،  
همیشه واقعا  
هر مندند  
حافظه هست،  
پسرم وقتی تازه آیه‌ی  
خمس را یاد گرفته بود به خانه  
آمد و گفت: این ماه مقدار خمس  
ما چقدر است؟

● مهارت‌هایی که شما می‌فرمایید، متداول  
است. تجربه نشان می‌دهد، بچه‌هایی که در مدرسه  
آموزش قرآن دیده‌اند، در درس دیگر هم توانا تر هستند.  
در واقع به گلستانی می‌مانند که هر کدامشان عطر و زیبایی  
خاصی دارند. شما که در این مجموعه هستید این عطر و  
بوهای متنوع را از نزدیک استشمام کرده‌اید. می‌خواهم  
خواهش کنم، در توضیحاتتان این لذت را به مخاطبان،  
هم منتقل بفرمایید.

○ بله، خب این در واقع احتیاج به یک کتاب خاطرات  
دارد. من از مسئولین مدرسه تقاضا کرده‌ام، خاطراتشان  
را بنویسند. امسال ان‌شاءالله این کار را اجرایی می‌کنیم.  
از اولیا و مربیان هم کمک می‌گیریم تا اگر از بچه‌ها و  
عکس‌العمل‌هایشان خاطره‌ای دارند، ثبت و ضبط کنند.  
بعداً ما می‌توانیم این نوشته‌ها را پر و بال و گسترش بدهیم.  
یادم هست، وقتی یکی از سریال‌های تلویزیونی از تلویزیون  
پخش می‌شد، یکی از مربیان ما به بچه‌ها گفته بود که شب‌ها  
وقتی این سریال را نگاه می‌کنند - چون نمی‌شد که بگویند  
نگاه نکنند - هر جای سریال که احساس کردند با موضوعات  
قرآن منطبق است، بنویسند و با خودشان بیاورند. این شده  
بود مثلاً دستور کار یک ماهه‌ی آن‌ها. به این ترتیب، بچه‌ها  
گنجینه‌ی خیلی قشنگی درست کردند. مثلاً نوشته بودند،  
فلان‌جا، فلانی به فلانی این جور گفت که منطبق با این  
آیه‌ی قرآن است. یا فلان‌جا این طور گفته شد که خلاف  
آیه‌ی قرآن است. یعنی با استفاده از شصت موضوع قرآنی،  
در واقع فیلم را تحلیل کرده بودند؛ آن هم با آیات قرآنی در  
حد فهم بچه‌های کلاس دوم و سوم ابتدایی.

در یکی از جلسات با اولیا، به شکل آزمایشی بخش  
کوچکی از فیلم را پخش کردیم و بچه‌ها اظهار نظر کردند.

آن‌جا واقعاً کودک پیش دبستانی قرآن را با ما می‌کند و از روی  
آن می‌خواند. ولی این که چه اتفاقی ممکن است بیفتد،  
اگر دانش‌آموز اول دبستان، سر کلاس زبان فارسی با  
بچه‌های دیگر تفاوت داشته باشد، مشخص نیست و هیچ  
پژوهش طولی روی این موضوع انجام نشده است.

● با توضیحاتی که شما فرمودید، ظاهراً دانش‌آموزان این  
مؤسسه باید از توانایی‌های ذهنی و هوشی بالایی برخوردار  
باشند، درست است؟

○ ما دنبال شکار نابغه‌ها نیستیم. البته، ما بچه‌هایی را  
انتخاب می‌کنیم که از نظر ضریب هوشی، متوسط به بالا  
باشند، به اضافه‌ی بحث حافظه. چون حافظه‌شان بر ایمان  
مهم است. یعنی باید حافظه‌ی خوبی داشته باشند که بتوانند  
در این مجموعه دوام بیاورند. اما احتیاج نیست که  
حتماً هوش بالا یا حافظه‌ی خیلی بالا داشته باشند.

اعتقاد قلبی خود من این است که دانش‌آموزان ما پس  
از دو سه سال که در این مجموعه می‌مانند، باور کنید به  
گوهرهای ناب و گران‌بهایی تبدیل می‌شوند که ناشناخته و  
ناشکفته هستند. من گاهی به مربی‌هایمان می‌گویم، شما  
خودتان خبر ندارید، چه گوهرهایی تربیت کرده‌اید. اگر  
بدانید که این کودک هفت هشت ساله، از سایه‌ی انس با  
قرآن چه توان بالایی از نظر تربیتی، آگاهی، شخصیت و  
رشد رسیده است، خودتان از خوشحالی در پوست  
نمی‌گنجید. توانایی‌هایی پیدا می‌کنند که ما بلد نیستیم،  
رمزگشایی کنیم؛ چون بچه‌ها خیلی سر بسته هستند و قدرت  
بروز توان خودشان را ندارند. بچه‌ی پنج ساله داشته‌ایم که  
پدر مادرش با هم قهر بودند، آن‌ها را آشتی داده است.  
چه طور؟ این‌جا آیه‌ای راجع به اختلاف زن و شوهر یاد گرفته  
است که مثلاً «والصلح والخیر». رفته در گوش پدر و  
مادرش آن را خوانده است و آن‌ها آشتی کرده‌اند. کودک  
پنج ساله می‌تواند چنین قدرتی داشته باشد.

چند روز پیش، یکی از معاونان اجرایی مدرسه‌ی ما که  
با کارهای قرآنی سروکار ندارد، گفت من دیدم یکی از  
بچه‌ها دارد با دوستانش راجع به خمس صحبت می‌کند.  
انتقاد داشت و می‌گفت: حاج آقا فکر نمی‌کنید، مسأله‌ی  
خمس برای کودک کلاس اول ابتدایی که خیلی زود است؟  
به ایشان گفتم، مسائل خیلی بالاتر از این را بچه‌ها حل  
می‌کنند، خمس که خیلی ساده است، مسائل خدا و پیغمبر  
ما قیامت و جبرئیل، وحی و مانند این‌ها را این بچه‌ها دارند  
درک می‌کنند و می‌توانند به زبان کودکانه خودشان منتقل



ابتدایی حافظ بشود، از این مدرسه می رود؟  
○ نه، لزومی ندارد. می ماند و کارهای دیگری را انجام می دهد.

● یعنی تا سال پنجم می تواند اینجا بماند؟  
○ بله، ضرورتاً لازم نیست که از این مدرسه بیرونند. می دانید که از هر ۱۰۰ یا ۸۰ نفر، یک نفر پیدا می شود که از حافظه یا هوش بالاتری نسبت به دیگران برخوردار باشد. مخصوصاً اگر حافظه ی دانش آموز قوی باشد، به اضافه ی عوامل دیگری مثل آمادگی خانواده و محیط زندگی کودک، آدم می بیند حیف است. ما دانش آموزی داریم که روزی یک صفحه حفظ می کند، ولی در خانه هم می تواند روزی دو صفحه حفظ کند. مادران این گونه دانش آموزان را آموزش می دهیم و توجیه می کنیم. پس به آن ها برنامه می دهیم تا در خانه کارهای اضافه انجام دهند.

● براساس تجربه های شما، آیا بین هوش و حافظه ی بچه ها رابطه وجود دارد؟ یعنی آیا بچه هایی هستند که حافظه شان خوب باشد و موضوعات حفظ کردنی را خوب حفظ کنند، ولی هوش عمومی شان معمولی باشد و بچه های باهوشی نباشند؟

○ بله، وجود دارد. بعضی ها هستند که حافظه ی کوتاه مدتشان خیلی قوی است، اما حافظه ی دراز مدت شان مشکل دارد.

بعضی ها هم برعکس، دیر می گیرند ولی دیگر فراموش نمی کنند. تقریباً چهار گونه حافظه داریم. از این گذشته بحث حافظه مربوط به یک سمت مغز است و سمت دوم که مربوط به خلاقیت ها و استعداد های دیگر است هم خیلی اهمیت دارد و به رشد و پرورش آن ها هم باید توجه داشت.

● این بچه ها وقتی که دوره ی ابتدایی را به پایان می رسانند، در کدام مدرسه ادامه ی تحصیل می دهند؟ شما که هنوز مدرسه ی راهنمایی تأسیس نکرده اید.

○ برنامه ریزی کرده ایم که ان شاء الله حتماً مدرسه ی راهنمایی تأسیس کنیم تا بچه ها با ما بمانند. ولی تا به حال بچه ی ما پس از دوره ی ابتدایی به مدارس دیگر منتقل شده اند. البته اگر حافظ کل بوده اند، معمولاً ارتباطشان را با ما حفظ کرده اند و تابستان ها و پنجشنبه ها می آیند. عده ی دیگری هم هستند که نتوانسته اند قرآن را حفظ کنند و دچار فراموشی شده اند یا محفوظاتشان افت کرده است. این جور هم داشتیم. یعنی این طور نیست که دانش آموزان از عهده ی حفظ قرآن بر آیند. به هر حال، امیدواریم که راهنمایی و دبیرستان را هم بتوانیم راه اندازی کنیم. ... ادامه دارد.

اگر بتوانیم

این پنجره را جلوی

چشم بچه ها باز کنیم که

بتوانند با قرآن زندگی کنند و آن را در عمل پیاده

کنند و حتی وقتی کتاب داستان می خوانند، ببینند کجای داستان یا کدام آیه منطبق می شود و با کدام منطبق نمی شود، شخصیتشان واقعاً با قرآن پرورش و رشد پیدا می کند. البته کارشان حساس و نگران کننده است. یعنی به همین دلیل که شیرین و جذاب است، باید جوانب آن را هم در نظر گرفت.

● بچه های این مدرسه، حافظ های خوبی هم می شوند؟  
○ بله.

● یعنی کلاس پنجمشان که تمام می شود، حافظ کل می شوند؟

○ ببینید، ما تاریخ تعیین نمی کنیم. اوایل این کار را می کردیم، ولی متوجه شدیم که اشتباه است، چون استعداد، ظرایف و توان بچه ها متفاوت است. درست نیست سقف بگذاریم و بگوییم سر چهار سال باید حافظ بشوی. البته ما برای بچه هایی که توان بالاتری داشته باشند، برنامه ریزی می کنیم و آن ها هم زود حفظ می شوند.

پارسال، یکی از پیش دبستانی ها، قبل از ورود به دبستان، حافظ کل قرآن شد. خوب آمادگی داشت و برایش برنامه ریزی ویژه کردیم. ولی همه از عهده ی این کار بر نمی آیند. یعنی اگر این کار را از همه توقع داشته باشیم، نسبت به بعضی ها خیانت کرده ایم، بچه هایی هستند که امسال پایه ی چهارم ابتدایی، وسط سال حافظ قرآن شدند.

اصلاً ضرورتی ندارد سقف تعیین کنیم. سوم ابتدایی یا اول راهنمایی، دو سال دیرتر یا زودتر، فرقی نمی کند؛ هدف مهم است.

● اگر، کسی زودتر از سال پنجم، مثلاً در پایه ی دوم